

راه کارهای اصلاحی جامعه در اسلام

نگارنده: منهاج الله " فایق "

در جامعه تعریف شده کنونی، انسان دو مسیر را دنبال می کند یکی در جستجوی اصلاح و دیگر در پرتگاه انحراف و کجروی، این انحراف در زندگی بشر سابقه دیرینه دارد، از این خاطر انحراف برای افراد جامعه، حکومت و در کل دولت ها به یک درد سر تبدیل شده اند، جامعه بشری همواره شاهد فرو رفتن افرادی در گرداب ناهنجاری های اجتماعی بوده و آسیب های هنگفتی را برای جامعه و افراد آن وارد کرده است، هر جامعه قوانینی را برای اصلاح این پدیده از باب تخصص و تجربه، برنامه هایی را روی دست گرفته اند، برخی طرح قانونی بیان کرده اند، برخی راه کار روانشناسی و جامعه شناسی، اما مسلمانان دین اسلام را بعنوان یک کتاب منزل وحی آسمانی، راه حل انحراف و مسیر اصلاح قرار دانسته، قانون و دستور العمل خویش قرار دادند.

سنت الهی همین است که الله متعال کس. ه نا هیچ امتی را بدون بیان و اتمام حجت عذاب نمی کند. خداوند متعال می فرماید: ﴿ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا ﴾ [الاسراء: ۱۵]

و ما (هیچ شخص و قومی را) مجازات نخواهیم کرد، مگر این که پیغمبری (برای آنان مبعوث و) روان سازیم. انبیاء علیهم السلام از آغاز بعثت با هدایت شد معصوم شده اند. ه همچنان: سامان: الام. ه هدایت، دعوت و تبلیغ دین آمدند تا امت را راهنمایی نموده، مردم خوبی ها را از بدی ها تفکیک ببخشند از این جهت الله متعال می گویند: ﴿ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ ﴾ [المائدة: ۶۷]

ای فرستاده (خدا، محمد مصطفی!) هر آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده است (به تمام و کمال و بدون هیچ گونه خوف و هراسی، به مردم) برسان (و آنان را بدان دعوت کن)، و اگر چنین نکنی، رسالت خدا را (به مردم) نرسانده ای (و ایشان را بدان فرا نخوانده ای). چرا که تبلیغ جمیع اوامر و احکام بر عهده تو است، و کتمان جزء از جانب تو، کتمان کل بشمار است. پیامبران الهی پیغام دین را بصورت واضح و آشکارا برای امت رساندند، مکلفیت و وجوبه مصلحان و دعوتگران و در جمع هر فرد جامعه است که پیام های الهی را به مردم برسانند تا ابهامی باقی نماند و انسانها در پرتوی تعالیم اسلامی زندگی خویش را در مسیر اصلاح نه در راه انحراف و کجروی بچرخانند.

تقیف و تقویت ایمان:

تقویت ایمان، عامل است باید از آن برای مقابله با تهدید و تطمیع دشمنان دین استفاده اعظمی کرد، در برابر انحراف و کجروی باید ایمان را قوی ساخت و این ایمان با عمل رشد می کند و زیبا است، جوارح انسان نمایانگر رفتار حسنه و اخلاق عالی میباشد.

پرداختن به این موضوع، هم فایده ای فراوانی دارد و هم ضرورت شدیدی، تا از یک سو اسباب و عوامل تقویت ایمان را بشناسیم و از سوی دیگر، آن ها را در خود مهیا کنیم؛ زیرا کمال بنده، در ایمان است و درجات بنده هم در دنیا و هم در آخرت به وسیله ی ایمان، بالا می رود و سبب هر خیری در دنیا و آخرت، همین ایمان است. قوت ایمان، بدین بستگی دارد که اسباب و زمینه های مؤمن شدن را بشناسیم. الله جل جلاله برای هر هدف و خواسته ای، سبب و راهی برای رسیدن به آن قرار داده است و از آن جا که ایمان، بزرگ ترین و مهم ترین و جامع ترین خواسته ی الله عز وجل برای بندگانش می باشد. یکی از اسباب تقویت ایمان، شناخت محاسن و خوبی های دین می باشد؛ زیرا دین اسلام، سراسر نیکوست و عقایدش، صحیح ترین و راست ترین و سودمندترین عقاید است. هم چنین اخلاقش، پسندیده ترین و زیباترین اخلاق می باشد. اعمال و احکامش نیز نیکوترین و میانه ترین اعمال و احکام است. با این نگرش خوب، الله عز وجل ایمان را در قلب بنده، آراسته می سازد و آن را پیش او

محبوب می گرداند؛ همان طه، که با این کار بر بهترین بندگانش منت نهاده است. [ایمان به الله - صلابی ص / ۲۰۴]

چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ ﴾ [الحجرات: ۷]

ترجمه: اما خداوند ایمان را در نظرتان گرامی داشته است و آن را در دلهایتان آراسته است.

یکی دیگری از راه تقویت ایمان تلاوت و خواندن قرآن و تفکر در معانی و احکام آن، مطالعه سنت پیامبر ﷺ آگاهی یافتن از تفصیل شریعت، عمل به مقتضای آن و التزام عقیدتی و عملی به آیات و احادیث و مسایل اعتقادی. احساس قلبی به عظمت

خداوند، یادآوری روز قیامت و حساب و پاداش و عقاب و سختی های آن، همنشینی با انسان های صالح و نیک؛ و دوری از اهل شر و فساد، ایمان تقویت می شود. [ترجمه کتاب فتاوی علماء بلدالحرام ۱۷۲/۵]

رسول معظم اسلام ﷺ بعد از بعثتش در مکه پیوسته تلاش می ورزید تا مردم را از مزایای درست دین آگاهی داده، متقاعد بسازد که پیامش پیام آسمانی، خودش پیامبر الهی است و این باور برای مصالح دنیا و سعادت آخرت می باشد، پیامبر اکرم ﷺ حضرت مصعب بن عمیر را بطرف مدینه فرستاد تا مردم را به اسلام دعوت کند و پیام اصلاحی دین را بخوبی و درستی معرفی کند و مردم را از حقائق و پیام دین آگاه نماید.

پیامبر اکرم ﷺ به یاران خود یاد می داد که هر آیتی از قرآن کریم که نازل می شد و صحابه آنرا دریافت می کردند خوب میخواندند، حفظ می کردند و به آن عمل میکردند و هر گاه شخصی به دین اسلام مشرف می شد، برای صحابه و یاران خود می فرمود: «عَلِّمُوا أَهْلَكُمْ الْقُرْآنَ» طبرانی.

ترجمه: برای برادر خود قرآن را یاد بدهید! چونکه مرجع اساسی تربیتی انسان آموزه های قرآنی است که باعث اصلاح فرد و جامعه می گردد و در بدل برای ایشان پاداش بزرگ نیز نصیب کرده است.

صفا و سلامت، که بخش از هفاة نظام اصلاح فرد، جامعه است، که انسان حقیقتش را آشکارا به چشم نم بیند اما خداوند مقام بس بزرگ برای این گروه نصیب کرده و میفرماید: ﴿لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَيْلُهُمْ يَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ الأنعام: ۱۲۷
برای آنان (که پندپذیر و بیدارند) دارالسلام است که (بهشتی است و زدوده از آفات و بلاها بوده و غم و اندوه به ساحت آن راه ندارد و) از سوی پروردگارشان بدیشان تعلق می گیرد، و خداوند به سبب کاری که (در دنیا) انجام می داده اند، سرپرست و یار آنها است.

و خداوند انسانها را به بهشت دعوت می کند. ﴿وَاللَّهُ يَدْعُوا إِلَى دَارِ السَّلَامِ﴾ یونس: ۲۵
ترجمه: خداوند (انسان را به بهشت، یعنی) به سرای امن و امان و آرامش و اطمینان دعوت می کند.

ایجاد زمینه اشتغال در جامعه

اشتغال به کار مفید و مورد نیاز جامعه، راه رسیدن به موقعیت اجتماعی یک فرد مسلمان می باشد و شغل او هر قدر از نیاز های جامعه بکاهد و کم کند، موجب تقویت و استقلال و آزادی و عزت مسلمانان می گردد، و همچنان زمینه جلوگیری از مفاسد و ناهنجاریهای اجتماعی شده میتواند، زمانکه شخص بیکار و بیروزگار بود، این بیکاری و بی روزگاری خودش باعث خسارات و ضرر و زیان های جبران ناپذیر برای جامعه مسلمانان قرار می گیرد، همین فرد بیکار مشکلات فراوان را در جامعه بار آورده و سبب اخلال و نظم سالم جامعه می گردد. رسول گرامی ﷺ پیوسته یاران را تشویق به کار کردن مینمود تا مردم در عزت زندگی کنند.

یکی از وظایف دولت ها و کشورهای اسلامی ایجاد کار و زمینه های اشتغال زائی است، برای کسانی که توانائی بکار دارند تا مسلمانان در جهان پریشان و در تشویش نباشند. مرد بیکاری بحضور پیامبر اسلام ﷺ شرفیاب شد و تقاضای مساعدت نمود. و چون آن مرد سالم و توانا بود، پیامبر روشن ضمیر اسلام تبر و ریسمانی بعنوان مساعدت و رهنمائی بوی سپرد و امر فرمود: «برو از بیابان هیزم بیاور و در بازار بفروش، و زندگی خود را تأمین و نتیجه را بمن گذارش بده» ممکن است بعضی ظاهر بینان این عمل را یک موضوع فردی و خصوصی بدانند و چنین پندارند که دلالت بر مقصود ما ندارد و نمیتوان آن را قانون کلی گرفت، بخصوص که حقیقت قضیه را یک تبر و یک رشته ریسمان و یک مرد بیکار تشکیل می دهد، در صورتی که امروز وسایل زندگی بر اساس گردش کارخانه های بزرگ جهان استوار است، و با وجود این میلیونها کارگر بیکار در این دنیای پهن دشت سرگردانند. و در مقابل این گروه دولت هائی با نظم مخصوص و با برنامه های گوناگون تشکیل یافته، باز هم از برآورد وسایل کار و تأمین زندگی بیکاران عاجز مانده اند. [اسلام و نابسامانی های روشنفکران ۱/۱۶۴]

فرد مسلمان وظیفه دارد که آنچه بر عهده دارد آن را با جدیت و درستی انجام دهد. چون پیامبر ﷺ ما را به انجام کار به بهترین نحو و صحت و درستی در آن امر می فرماید. به همین نحو شخصی که تحصیل علم می نماید باید در مطالعه ی خود بکوشد چون عهده دار این وظیفه می باشد و باید آن را به بهترین وجه به انجام رساند تا به موفقیت و برتری دست یابد.

فرد مسلمان تحت هر شرایطی که باشد از کار کردن دست نمی کشد، رسول اکرم ﷺ می فرمایند: « إِنْ قَامَتِ السَّاعَةُ وَبَدَأَ أَحَدِكُمْ فَسِيلَةً، فَإِنْ اسْتَطَاعَ أَنْ لَا يَقُومَ حَتَّى يَغْرَسَهَا فَلْيَفْعَلْ » [مسند احمد حدیث ۱۲۹۸۱]

اگر قیامت برپا شود و شاخه خرمایی در دست داشتید تا غرسش نمایید چنانچه تا قبل از برپایی قیامت توانستید آن را غرس کنید، حتماً آن را غرس نمایید!

انسان مسلمان در دنیا عاطل و باطل آفریده نشده است بلکه برای زمینه های کاری تلاش باید کرد و وظیفه وجیبه نظام ها است که برای اتباع، فرصت ها و زمینه های شغلی ایجاد نماید تا باشد که انسان از پریشان حالی بیرون شده در یک عزت نفس زندگی کرده راه درست برای اصلاح فرد و جامعه قرار گیرد.

تطبیق قوانین الهی (مجازات و مکافات)

در جامعه انسانی اجرای حدود الهی یکی از ضروری ترین و حیاتی ترین مسائل اجتماعی و از وظیفه حکومت اسلامی است، بدون تطبیق قوانین الهی بقای جامعه بخاطر اصلاح آن امکان پذیر نبوده و تضمین کننده آن جامعه نخواهد بود. اما این را هم خاطر نشان ساخت که اجرای حدود الهی به هیچ وجه زیرپای گذاشتن کرامت و شخصیت انسان نیست. چون تطبیق قوانین الهی در اصلاح جامعه نقش مهم و اساسی دارد، زیرا حدود الله بر کسانی اجرا می گردد که جان، مال، و یا آبروی مردم را مورد تهدید قرار، مدهند و نظم جامعه را از بین برده و ده ها ب نشان دیگر را بر جامعه انتقال میدهد. بدین اساس الله پاک حکم قصاص را در جامعه «حیات» و زندگی خوانده است و می فرماید: ﴿وَكُلُّكُمْ فِي الْقَصَاصِ حَيوةٌ يَتَأُولِي الْأَلْبَانِ لَمَّا كُنْتُمْ تَتَّقُونَ﴾ البقرة: ۱۷۹ ای صاحبان خرد برای شما در قصاص حیات و زندگی است (بنابر مصلحت و فلسفه ای که در آن، و دقائق و نکاتی که در همه احکام است. این است که قانون قصاص را برای شما وضع کردیم تا از تجاوزی بپرهیزید و) باشد که تقوا پیشه کنید.

قصاص انتقام نیست، یا سیراب نمودن عطش کینه ها نیست. بلکه قاص ذاتاً حیات است ... از این گذشته، قصاص برای تعقل و تدبر و اندیشیدن درباره فلسفه چنین فریضه ای، و شرم داشتن و ترس برداشتن دلها از خدا و به جوش و خروش افتادن آنها در راه تقوا و پرهیزگاری است.

حیاتی که نهفته در قصاص است از همان لحظه ای نمودار می گردد که از جنایت جانیان پیشگیری می شود و می توان گفت که به جلوگیری از جنایت زمانی که جنایت می خواهد در آن سر برآورد و آغاز شود، زندگی برمی دمد و سرچشمه حیات بیرون می جوشد. چه، کسی که باور دارد که زندگی خود را بهای زندگی کسی می کند که کشته می شود و خونس در پای خون او می شود، چنین کسی را سزد که تائی کند و بیندیشد که عاقلانه گام بردارد. [تفسیر فی ظلال القرآن ۲/۵۰]

اسلام علاوه بر محافظت از زندگی و نظم و اصلاح جامعه، بر پیشرفت های زندگی انسان ها نیز اهمیت میدهد و این، زمانی بدست می آید که جلو هر نوع فساد، تبهکاری گرفته شود. و اصلاح در درون فرد و با اعتقاد صحیح او همراه باشد.

تجربه های امروزی نشان دهنده آنست که عدم اجرای حدود الهی چقدر بهای را در جامعه در قبال دارد، مصرف گزاف پول، ترس، تشویش، رعب ظلم و بی عدالتی های اجتماعی که باعث درد سر برای افراد جامعه گردیده است.

پیامبر ﷺ بخاطر تطبیق حدود الهی و نظم اجتماع و حفظ آبرو، حیثیت و کرامت انسان و نظام اجتماع، برای انسانها اخبار کرده می فرماید. « كل المسلم على المسلم حرام عرضه و ماله و دمه » [سنن الترمذی حدیث شماره ۱۹۲۷]

جان و مال و ناموس و آبروی هر مسلمان بر همه مسلمین حرام است.

این سنت الهی است که انسانها در پهلوی هم برادر وار زندگی نمایند، کسی بالای دیگر از باب برتری تجاوز و تعدی نکند، مال، آبرو، شرف، عزت و حتی خون انسان مصئون و محفوظ باشد و اما در صورت عدم تمکین به این ارشادات و راهنمایی های سودمند، راه کاری اصلاحی تطبیق حدود است که باید از طرف حاکم نظام اسلامی بر منصفه اجرا گذاشته شود.

تطبیق حدود الله راه کار اصلاحی

عایشه صدیقہ رضی اللہ عنہا همسر پیامبر اکرم ﷺ در موضوع قطع دست زنی از قبیله مخزومی که مرتکب دزدی شده بود، و این قضیه برای قریش خیلی مهم بود که حدود الهی بالای تطبیق نشود که مایه شرم برای خانواده به اصطلاح خودشان اشراف زاده بود،

در جستجوی سفارش گر بیرون شدند و گفتند چه کسی جرأت دارد در این مورد پیش پیغمبر ﷺ سفارش کند. به این توافق رسیدند که هیچ کسی چنین جرأت را ندارد مگر اسامه بن زید که عزیز و محبوب پیغمبر خدا است، حضرت اسامه بن زید قضیه را نزد پیامبر باز گو می کند و پیامبر ﷺ از این پیشنهاد اسامه نا راحت می شود و میگوید: « یا اسامه أَتَشْفَعُ فِي حَدِّ مِنْ حُدُودِ اللَّهِ، ثُمَّ قَامَ فَاحْتَطَبَ ثُمَّ قَالَ إِنَّمَا أَهْلَكَ الَّذِينَ قَبْلَكُمْ أَهْمَ كَانُوا إِذَا سَرَقَ فِيهِمُ الشَّرِيفُ تَرَكُوهُ وَ إِذَا سَرَقَ فِيهِمُ الضَّعِيفُ أَقَامُوا عَلَيْهِ الْحَدَّ وَ أَيْمَ اللَّهُ لَوْ أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ سَرَقَتْ لَقَطَعْتُ يَدَهَا » [متفق علیه]

ای اسامه، در باره اجرای حدی از حدود خدا شفاعت میکنی و می خواهی که حد شرعی اجرا نشود؟! سپس بلند شد و خطبه ای را خواند و فرمود: ملت های پیش از شما به خاطر این به هلاکت رسیدند که هرگاه یکی از اشراف دزدی می کرد او را رها می کردند، و اگر یک نفر ضعیف دزدی می کرد او را مجازات می نمودند. قسم به خدا اگر فاطمه دختر محمد دزدی کند دستش را قطع خواهیم کرد.

پیامبر محبوب ﷺ جگر گوشه اش فاطمه رضی الله عنها را مثال می زند که حدود الله را بالای وی تطبیق می کنم حتی چنین نفرمود که دستور میدهم و یا امر می کنم بلکه می گوید خودم این حکم را اجرا می کنم، این همان عدالت اصلاحی است که نظام آسمان و زمین، بر پایه آن استوار و محفوظ است.

اکنون، می بینیم که پیغمبر ﷺ سوگند می خورد که مجازات شرعی را بر هر کسی که باشد، اجرا می نماید هر چند بردخترش باشد، به راستی این حقیقتی است که هیچ شک و شبهه ای در آن نیست؛ چون هر وقت قانون در مورد قوی و ضعیف به طور یکسان اجرا نشود، باعث تحریک و تشویق قوی برای تجاوز به حقوق ضعیف می شود، ضعیف مورد تجاوز قوی قرار می گیرد و قوی در امن و امان بسر خواهد برد، و این امر یکی از عوامل بی نظمی ها و هرج و مرج هائی است که اساس پیشرفت و تمدن را از بین می برد. [نظام سیاسی اسلام / ۴۰].

عدالت عمر رضی الله عنه، راه کاری برای اصلاح

مردی از اهل مصر نزد حضرت عمر بن خطاب رضی الله عنه آمده و گفت: یا امیرالمؤمنین، من با پسر عمرو بن عاص والی مصر مسابقه ای داده و از او بردم و او مرا با شلاقش زده و به من گفت: من فرزند دو بزرگوار هستم! عمر بن خطاب به عمرو بن عاص نوشت: « وقتی نامه ی مرا دریافت نمودی همراه با پسر در اینجا حاضر شو». زمانیکه آن دو حاضر گشتند، عمر بن خطاب شلاق را به آن مرد مصری داد تا فرزند عمرو بن عاص را بزند و گفت: « اکنون این فرزند دو بزرگوار را بزن! » [اخلاق اسلامی / ۱۲۲]

اگر این روش های اعتدالی و اصلاحی حکیمانه دین اسلام جامه عمل بپوشد، حکام، گردانندگان و مدیران نظام های اسلامی خود را به آن عیار کنند، خواهشات نفسانی که بزرگترین بت های درونی انسان است را منهدم سازند، خود کامه گی ها و خلاها را پُر کنند، کشور های اسلامی بخصوص ملک، ملت و مردم مان در یک آرامش زیست نموده و همانند گرگ های درنده به دنبال پوست کندن دیگران نخواهند بود.

مراجع:

قرآن کریم

- صحیح البخاری، امام ابو عبدالله محمد بن اسمعیل، مترجم: عبدالعلی نور احراری، تربت جام: انتشارات شیخ الاسلام احمد جام.
- صحیح مسلم، الامام ابی الحسین مسلم بن حجاج بن مسلم القشیری نیشاپوری، دارالخیر بیروت- لبنان.
- سنن الترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی بن سوره، دارالکتب العلمیه بیروت- لبنان.
- تفسیر فی ظلال القرآن، تألیف: سید قطب، مترجم: دکتر مصطفی خرم دل، ناشر: نشر احسان.
- تفسیر نور، دکتر مصطفی خرم دل، ناشر: نشر احسان، چاپ هفتم، چاپ خانه اسوه.
- ترجمه فتاوی علماء بلدالحرام، تألیف داکتر خالد بن عبدالرحمن الجریسی.
- ایمان به الله، دکتر علی محمد صلابی، ترجمه گروه علمی و فرهنگی موحدین. شامله.
- اسلام و نابسامانی های روشنفکران، تألیف محمد قطب، ترجمه: محمد علی عابدی.
- اخلاق اسلامی، گروه مؤلفین سایت نوار اسلام، کتابخانه عقیده.
- نظام سیاسی اسلام، پوهنمل دکترم عبدالقدوس راجی، استاد پوهنتون کابل.